

نگرشی بر پدیده وقف و کاربرد آن در حل مشکلات اقتصاد جدید

دکتر صادق بختیاری*

مقدمه

اگرچه وقف تاریخچه‌ای کهن و سابقه‌ای دیرینه دارد و در اسلام نیز به عنوان یک سنت حسنه مورد سفارش و تأکید قرار گرفته‌است، با این وجود هنوز ابعاد و زوایای وقف، مورد عنایت صاحب‌نظران و به ویژه اقتصاد دانان قرار نگرفته‌است.

هدف مقاله حاضر آن است تا نشان دهد که این نهاد اسلامی می‌تواند برای حل معضلات امروز جوامع اسلامی کاربردی وسیع داشته‌باشد. بحث اساسی مقاله تأکید بر این واقعیت است که نهاد وقف در طول تاریخ گذشته جوامع اسلامی، خدمات عمومی مورد نیاز جامعه را به رایگان تهیه و تأمین نموده‌است. در این مقاله توضیح داده خواهد شد که مباحث فعلی اقتصاد جدید از قبیل تولید کالاهای عمومی، تعدیل ساختاری، تقلیل کسر بودجه دولت، کاهش اثرات دفع‌ازدحامی سیاست‌های بخش عمومی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد و نظیر اینها را می‌توان با کمک نهاد وقف، رهیافت‌های مناسبی برای آنها ارائه نمود. ترتیب مقاله حاضر اینگونه خواهد بود که ابتدا مفهوم وقف، انواع وقف و سابقه وقف را در قرآن و سنت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، آنگاه پس از نگاه اجمالی به تحولات وقف در ایران به بررسی نقش وقف در حل مشکلات و معضلات جوامع اسلامی پرداخته و در پایان به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات خواهد پرداخت.

* دانشیار علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان

۱ - تعریف وقف

وقف در لغت به معنی ایستادن و در اصطلاح فقهی عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.^۱ این تعریف در کتب فقهی بطور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است که «الْوَقْفُ تَمَرُّهُ تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ»^۲ یعنی ثمره وقف حبس کردن اصل و تسبیل منفعت آنست یا «الْوَقْفُ تَحْبِيسُ الْأَصْلِ وَ تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ»، منظور از تحبیس یعنی حبس کردن چیزی از طرف مالکش به گونه‌ای که فروش آن ممنوع است، به ارث منتقل نمی‌شود، قابل هبه و فروش نیست و به رهن و اجاره و عاریت و از این قبیل داده نمی‌شود. منظور از تسبیل منفعت، یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف آن تعیین کرده است.^۳ گاهی تسبیل را بکارگیری و استفاده از مال در راه خدا می‌دانند. در قانون مدنی ایران نیز همین واژه‌ها برای وقف مورد استفاده قرار گرفته است» وقف عبارتست از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.^۴ از ماده ۵۵ تا ماده ۹۱ قانون مدنی شرایط و مقررات مربوط به وقف توضیح داده شده است.

گاهی وقف را صدقه جاریه می‌دانند و در این مفهوم نیز به خاطر واژه صدقه، معنی فی سبیل ا.. مستتر است. اطلاق صدقه جاریه به خاطر حدیث معروف نبوی است که «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثِهِ صَدَقَةٌ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفِعُ بِهِ أَوْ وَكَلْتُ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ»، یعنی با مرگ شخص، پرونده عمل او بسته می‌شود؛ مگر از سه جهت:

صدقه جاریه

علم مفید

فرزند صالحی که برای او دعا کند

۲ - انواع وقف

۱) وقف را به اعتبار کسب منافع و عواید آن می‌توان به وقف انتفاع و وقف منفعت به ترتیب زیر تقسیم نمود:

الف. وقف انتفاع که مقصود از آن تحصیل درآمد مادی نیست بلکه بیشتر تولید یک کالا و خدمت عمومی است مانند احداث جاده، مسجد و حسینیه که همچون کالاهای عمومی تعریف شده در اقتصاد دارای اثرات جانبی مثبت می‌باشد.

۱. فرهنگ معین، جلد ۴، ص ۵۰۴۷

۲- شرایع الاسلام، جلد ۲، کتاب وقف

۳- مغنیه، محمد جواد (۱۴۰۲هـ) ص ۵۸۵.

۴- قانون مدنی، ماده ۵۵

ب. وقف منفعت که بیشتر بمنظور کسب درآمد صورت می‌گیرد تا در موارد مشخصی، هزینه شود. مثل اینکه ملکی وقف می‌شود تا از عواید آن درمانگاهی و یا مدرسه‌ای اداره شود.

۲) وقف را به اعتبار استفاده کنندگان از مورد وقف، می‌توان به وقف عام و وقف خاص تقسیم

نمود:

الف. وقف عام که سرپرستی آن از اختیارات دولت اسلامی است و مقصود از آن انجام امور خیریه است و طبقه معینی مورد نظر نیست، مثل وقف بر فقرا به نحو عام یا وقف بر طلاب و از این قبیل.

ب. وقف خاص که واقف هنگام وقف، فرد مشخص یا اشخاص معینی را به عنوان موقوف

علیه تعیین می‌نماید، مثل وقف ذری یا وقف مخصوص خانواده واقف.

لازم به یادآوری است که احکام مربوط به هر یک از انواع وقف متفاوت بوده و احکام

خاص آن را باید در کتب فقهی مربوطه جستجو نمود.^۵

۳- وقف در قرآن و سنت

در قرآن مجید آیه و حکمی که مستقیماً اشاره به وقف داشته باشد ملاحظه نمی‌شود، ولی از

آیات مربوطه به «انفاق»، «احسان»، «قرض الحسنه»، «تعاون»، «صدقه» جواز و رجحان وقف را می‌توان نتیجه‌گیری کرد. نویسنده «مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف» معتقد است که علاوه بر اینها، آیه ۴۶ سوره کهف و آیه ۷۶ سوره مریم، دلالت روشنتری بر جواز و حتی توصیه به وقف را ارائه می‌دهند. ... و کارهای شایسته ماندنی، نزد پروردگارت به پاداش بهتر و امید آن بیشتر است.^۶

حدیث مشهور مربوط به صدقه جاریه از رسول اکرم نقل گردید، به همین مضمون احادیث

دیگری نیز از پیامبر و امامان نقل شده‌است. از جمله پیامبر اکرم در حدیث دیگری می‌فرمایند: «چند چیز است که بعد از مرگ مؤمن پاداش آنها به او می‌رسد: عملی که از خود به یادگار گذاشته باشد، فرزند صالحی که جانشین خوبی برای او باشد، قرآنی که به ارث گذاشته، یا مسجدی که بنا نموده، منزلی که برای مسافرین در راه مانده ساخته، یا نهری که آنرا به جریان انداخته و یا صدقه‌ای که در حال حیات خود انجام داده باشد.»^۷

همچنین در سیره عملی آن حضرت آمده‌است که مردی یهودی به نام «مخیریق» که در جنگ احد

مسلمان شده بود، همراه لشکر اسلام در جنگ با مشرکین شرکت نمود، هنگامی که به سوی احد حرکت

۱ رجوع شود به مغنیه (۱۴۰۲هـ) و الکیسی (بی تا).

۲- بن سلمان، ابو سعید احمد (بی تا)، ص ۱۱

۳- نهج الفصاحه، تألیف و ترجمه ابوالقاسم پاینده ص ۱۸۳ کلام ۹۰۶

می‌کردند وصیت کرد که اگر من مردم، هفت قطعه باغ‌های من مال پیامبر خواهد بود. اتفاقاً این مرد شهید شد و باغهای یاد شده به مالکیت پیامبر درآمد و آن حضرت چند سال باغها را اداره می‌فرمودند تا اینکه در سال هفتم هجری، حضرت باغها را وقف نمودند. داستان این وقف در کتب تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است. «صدقات رسول الله» اشاره به همه اموال و املاکی دارد که بعد از رحلت پیامبر اکرم باقی مانده است و مبنای آن حدیثی است که ابوبکر به نقل از پیامبر اکرم آورده که «نَحْنُ مُعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ» ابن ابی الحدید در این مورد گفته است که « رسول خدا از دنیا رفت در حالیکه مزارع زیادی در «خیبر»، «فدک»، و «بنی النضیر»، و «وادی النخله» و هم چنین مزارعی در «طائف» داشت که همه آنها پس از مرگ پیامبر، با استناد به حدیث مذکور به عنوان وقف تلقی گردید.^۸

در مراجعه به تاریخ، نمونه های متعددی از موقوفاتی ملاحظه می‌شود که حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه (س) و دیگر معصومین و اصحاب رسول خدا (ص) داشته‌اند.^۹ در این میان موقوفات حضرت علی (ع) چشمگیرتر است زیرا در مدت بیست و پنج سالی که ظاهراً از حکومت کنار بوده‌اند، فرصت بیشتری برای پرداختن به کشاورزی، درخت کاری، حفر قنوات و چشمه‌ها داشته‌اند. حضرت علی (ع) در زمان حیات خود عایدی این اموال را در راه خدا به صورت زکات و یا صدقه واجب و مستحب انفاق می‌فرمودند. و در اواخر عمر نیز بنا به وصیت، همه باغها و مزارع خود را وقف فرمودند.^{۱۰}

۴ - نگاهی اجمالی به تحولات وقف در ایران

سابقه وقف در ایران به قبل از اسلام برمی‌گردد، به طوری که نذورات و وقف اموال به آتشگاهها و معابد در ایران باستان متداول بوده‌است. در این دوران عمده ترین زمین‌های فئودالی، املاک خالصه وقفی بوده و در دوره هخامنشیان، معابد براملاک وسیعی تسلط داشتند که این زمینها از اطراف پادشاه و یا بزرگان فئودالهای محلی به منظور جلب پیشوایان مذهبی به پرستشگاهها هدیه می‌شد. کشاورزانی که در این قبیل زمینها به کشت و زرع مشغول بودند، سهم مالکانه را می‌باید به هیربند یا کاهن بزرگ می‌دادند. سلوکیان و اشکانیان نیز این شیوه را محترم می‌شمردند.^{۱۱}

ایران در سال ۶۵۱ میلادی به تصرف سپاه درآمد و بنا به روایتی زمینهای آن که عنوان «مفتوح العنوه» به آن اطلاق می‌شد جزو اراضی موقونه محسوب گردید. در قرون اولیه اسلامی اوقاف روند معمولی و عمومی خود را داشت تا اینکه در نیمه دوم قرن چهارم هجری دیوان اوقات ایجاد شد، این دیوان نقشی، مشابه وزارتخانه در سازمان اداری امروز داشت. از جمله وظایف دیوان مذکور کنترل و رعایت مفاد وقفنامه‌ها در

۱- احمدی میانجی علی (۱۳۶۱)، ص ۶۲.

۲. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰)، فصل دوم

۳- همان مأخذ، ص ۶۰.

۴- تاریخ زندگی روستائیان جلد ۱ ص ۳۳۰

خصوص چگونگی بهره برداری و نحوه استفاده اوقاف بود. اگر متولی وقف در این زمینه کوتاهی می نمود دیوان مزبور وقف را از او باز ستانده و جبران خسارات را مطالبه می کرد.^{۱۲}

در دوره سلجوقیان اوقاف گسترش نسبتاً زیادی یافته و نظارت مخصوصی از طرف حکومت مرکزی بر اوقاف اعمال می گردید. در این دوران، مخصوصاً زمانیکه خواجه نظام الملک نقش وزارت را بعهده داشت موقوفات زیادی را بویژه برای احداث، نگهداری و اداره نظامیه‌ها بوجود آورد.

در دوره مغولان مخصوصاً در اوائل کار و پس از تسلط آنان بسیاری از املاک موقوفه مصادره و بصورت املاک خالصه دولتی درآمد. ولی پس از تشریف به اسلام خود مشوق اوقاف گردیدند، بویژه در دوران غازان خان که موقوفات زیادی برای امور خیریه ایجاد شد.

اهمیت و وسعت موقوفات مخصوصاً در دوران رشید الدین فضل الله موجب شد تا تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات و تحت نظارت قاضی القضاات بوجود آید. شرح و بسط بیشتر اوقات این دوره را می توان در کتاب « تاریخ مبارک غازانی » ملاحظه نمود.

بیشترین توسعه اوقات مربوط به دوران صفویه است. در این دوران شاهان صفوی مخصوصاً شاه عباس اول کلیه اموال، رقبات و املاک خالصه را وقف نمود. به تبعیت از پادشاه، بسیاری از حاکمان مناطق نیز املاک فراوانی را در سرتاسر مملکت به صورت وقف درآوردند. در این دوران بسیاری از املاک، وقف مقاصد خیریه مخصوصاً وقف بقاع متبرکه و از همه بالاتر آستانه امام رضا (ع) در مشهد و حضرت معصومه (س) در قم گردید. شاید بتوان گفت در زمان شاه عباس اول بیش از هر دوره دیگری بر تعداد املاک موقوفه اضافه شد. ضمناً بدلیل توسعه فراوان اوقاف در زمان صفویه تشکیلات نسبتاً مفصلی برای اداره اوقاف ایجاد گردید.

۱۳

در دوره نادر شاه، جریان بر خلاف گذشته در جهت محدودیت اوقاف بود به گونه‌ایکه در سالهای آخر سلطنت نادر شاه، طی فرمانی کلیه اوقاف به صورت املاک خالصه درآمد و تحت عنوان « رقبات نادری » در دفاتر مخصوصی ثبت گردید. با توجه به اوضاع و احوال پیش آمده در این دوران برخی از متوالیان نیز از فرصت استفاده نموده و بدلیل فرصت طلبی یا عدم موافقت با فرمان دولت، وقفی بودن املاک تحت تولیت خود را انکار نموده ویا برای جلوگیری از تصرف دولت بنام خود ثبت می کردند. بدین ترتیب از زمان نادرشاه حرمت و قداست اوقاف از بین رفته و قبح موقوفه خواری از بین رفت و در مواقع از آن تاریخ به بعد هیچگاه اوقاف عظمت و شکوه قبلی خود را باز نیافت.

بعد از برقراری مشروطیت نیز علیرغم ایجاد وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه سیاست خاص و سازنده‌ای در مورد اوقاف به اجرا درنیامد. در سالهای ۱۳۳۰ قانون فروش املاک موقوفه و در جریان

۲- راوندی، مرتضی (۱۳۵۹)، ص ۷۵۱

۱- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲)، ص ۲۲۳

اصلاحات ارضی اجاره طولانی مدت ۹۹ ساله پیش بینی گردید که این قوانین نیز بدلیل مخالفت رهبران مذهبی به صورت کامل به اجرا در نیامد و تنها بهانه‌ای بود برای اینکه تعدادی از اوقاف از بین برود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دیماه ۱۳۶۳ قانون تکشیلات و اختیارات سازمان اوقاف به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و نام آن به «سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» تغییر نام یافت ولی نقش، وظایف و تشکیلات آن به گونه‌ایکه با نیازها و تحولات جدید سازگار باشد تغییر چندانی نیافت.

۵ - مصارف وقف

در این بخش عمده مصارفی که اوقاف از گذشته دور به آنها اختصاص یافته‌است با رعایت اختصار و از منظر اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ۵ - اوقاف و تهیه و تأمین سرمایه انسانی

نقش سرمایه انسانی در توسعه از مسائلی است که درباره آن تقریباً اتفاق نظر وجود دارد. به ثقول هاربیسون یکی از اقتصاددانان معروف توسعه پایه اصلی ثروت ملت‌ها را منابع انسانی آن تشکیل می‌دهد. زیرا سرمایه‌های فیزیکی و منابع طبیعی عوامل فرعی تولیدند، در حالی که انسان‌ها عوامل اصلی تولید بوده و سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهند و توسعه ملی را تحقق می‌بخشند.^{۱۴}

وقف در امر آموزش کشورهای اسلامی نقش فوق العاده مهمی را ایفا نموده‌است. ابتدا وظیفه آموزش در مساجد بود. مساجد که عموماً وقفی هستند علاوه بد محل انجام فرائض مذهبی محل تشکیل جلسات متعدد در س و بحث بود. به عنوان نمونه، مقدسی نویسنده کتاب احسن التقاسیم گفته است که در مسجد جامع قاهره فقط هنگام عشا ۱۲۰ مجلس از مجالس علم تشکیل می‌گردید.^{۱۵} نقش مساجد در امر تعلیم و تربیت اسلامی تا حدی است که مدارس اولیه ایجاد شده، شکل و فرم ظاهری مسجد را داشتند.

آنچه قابل ذکر است آن که در تاریخ اسلام همه مدارس متکی بر وقف، و تحصیل در آنها همگانی و رایگان بوده‌است. دانش‌آموزان و دانش‌جویان برای تحصیلات متوسطه و عالی خود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کردند و تحصیل در آنها اختصاص به قشر خاصی از مردم نداشت، بلکه امکانات تحصیل برای همه اقشار جامعه فراهم بود.^{۱۶}

ابن‌خلدون، رواج و گسترش علوم در کشورهای اسلامی را مرهون اوقاف در نتیجه فراهم بودن امکانات ادامه تحصیل برای دانش‌پژوهان می‌داند و در این باره این گونه اظهار نظر می‌کند که «گمان می‌کنم رواج

1- HARBISON F. (1973)

۲- به نقل از احمدبن سلمان (بی تا)، ص ۲۴

۳- ساعاتی (۱۳۷۴)، ص ۱۹.

بازار دانش و پیوستگی سند تعلیم در دانش‌ها و دیگر صنایع ضروری و کمالی در آن سرزمین به سبب فراوانی عمران و ترقی حضارت (تمدن و شهر نشینی) و کمک کردن به طالبان دانش از راه وظایف و مقرریهایی است که از اوقاف برای آنان معین می‌شود و در نتیجه توسعه یافتن اوقاف، موجبات رفاه طالبان علم فراهم می‌آید»^{۱۷}

غنیمه معتقد است که در ممالک اسلامی اوقاف از نظر در آمد و بهره مستمر از بهترین و بیشترین منابع درآمد بران تعلیم اسلامی بوده است «پایداری و استمرار تعلیم در اسلام طی قرن‌های طولانی و نظم و ترتیب فعالیت علمی در دانشگاهها و دانشکده های اسلامی به این منبع مالی بستگی داشته است»^{۱۸}

مشهورترین مدارس وقفی گذشته، مدارس نظامیه خواجه نظام الملک در قرن پنجم هجری است البته قبل از انجاد این نظامیه‌ها نیز مدارس وقفی دیگری وجود داشت، از جمله در تاریخ بیهقی آمده است که در عصر سامانیان، امام ابوالحسن محمدابن شعیب بیهقی در نیشابور مدرسه ای تأسیس کرد و مبالغی هنگفت از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شافل به تحصیل در آن وقف نمود.^{۱۹}

خواجه نظام الملک در ایجاد مدارس نظامیه براین نکته توجه نموده بود که برای مبارزه با دشمنان علاوه بر اقدامات نظامی، به اقدامات فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی نیز باید توجه نمود. نظامیه‌های معروفی که به امر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز اشتغال داشتند و در تاریخ از آنها نام برده شده، عبارتند از نظامیه‌های نیشابور، بغداد، اصفهان، آمل، طبرستان، بصره، مرو، هرات، موصل، خواف و... که هر یک از این نظامیه ها دارای موقوفات متعددی بود و ار محل درآمد همین اوقاف هزینه نظامیه‌های مزبور تأمین می‌گردید.

جرجی زیدان درباره حقوق و مزایایی که خواجه نظام الملک برای دانشجویان از محل اوقاف تعیین کرده بود می‌نویسد «برای کلیه طلاب علوم و غیر آنان مقرری و انعام تعیین کرده بود و از شام و دیار کشمیر و عراق عجم و عراق عرب و خراسان تا سمرقند عده کثیری از خوان احسان این وزیر با تدبیر نیکوکار (ایرانی) بهره‌مند می‌گشت و جمع مقرری‌های او سالی ششصد هزار دینار می‌شد»^{۲۰}

ابن جبیر که در قرن ششم هجری می‌زیسته، می‌نویسد که «در روزگار او سی مدرسه در بغداد و ساختمان هر کدام از هر کاخی زیباتر می‌نمود، با همه این‌ها نظامیه بغداد از همه مهم تر بود. همه این مدارس با زمین‌ها و مستغلات موقوفه پشتیبانی می‌شدند»^{۲۱}

از اوائل سده چهارم هجری نهادهای علمی دیگری با عنوان دارالعلم به وجود آمد. از جمله قدیمی‌ترین دارالعلم‌ها، دارالعلم ابوالقاسم جعفر بن محمد موصلی (۳۲۴ ه.ق) از ادیبان و فقیهان بنام شافعی در موصل

۴- ابن خلدون، مقدمه ص. ۸۹۴

۵- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، ص ۳۰۱

۱- بیهقی، (۱۳۰۸) ص ۱۵۸.

۲- جرجی زیدان، (۱۳۴۴)، ص. ۶۲۷.

۳- تاریخ آموزش در اسلام، ص. ۲۸۷.

بوده است. این فقیه موقوفات متعددی بر این دارالعلم وقف نمود و هر دانشجویی می توانست با استفاده از نوشت افزار و کمک هزینه نقدی در آنجا مقیم شود و از امکانات موقوفه آن استفاده نماید.^{۲۲}

از این تاریخ به بعد کتابخانه های وقفی در کشورهای اسلامی رواج فراوان یافت به گونه ای که کمتر شهری یافت می شد که خالی از کتابخانه های وقفی باشد. یاقوت حموی درباره گنجینه های کتب وقفی یکی از شهرهایی که مورد بازدید قرار داده (مرو شاهجان) و این که چگونه این کتابخانه ها به راحتی و سهولت منابع علمی را در اختیار مراجعان قرار می داده اند، می نویسد که «دسترسی به کتب آنها آسان بود و اقامتگاه من هیچ گاه از حدود دویست جلد از این کتب که بیشتر آنها را بدون سپرده وثیقه دریافت کرده بودم، خالی نبود.»^{۲۳}

از قرن چهارم به بعد کمتر شهری یافت می شد که خالی از کتابخانه های وقفی باشد. تعداد این کتابخانه ها در اندلس به حدی رسیده بود که ابوحنیفه نحوی بر خریدار کتاب عیب می گرفت و می گفت «خداوند به تو عقل معاش بدهد [چرا کتاب می خری؟] من هر کتابی را می خواهم از کتابخانه های وقفی به امانت می گیرم.»^{۲۴}

۲-۵- نقش وقف در تأمین بهداشت و درمان

بهداشت یکی دیگر از کالاهای عمومی است که همواره مورد نیاز همه جوامع می باشد. از این جهت تأمین مخارج بهداشت و درمان از جمله مواردی است که همواره مورد عنایت واقفان بوده است. اوقاف از قدیم الایام در ایجاد و اداره بیمارستان ها و دانشکده های پزشکی نقشی اساسی داشته است. ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه خود ضمن دیدار از بیمارستانی در بیت المقدس چنین اظهار نظر می کند که «بیت المقدس را بیمارستانی نیک است و وقف بسیار دارد، و شربت دهند و طبیبان باشند که از وقف مرسوم ستانند.»^{۲۵}

از بیمارستان های وقفی گذشته بعنوان دانشکده پزشکی نیز استفاده می شد، دانشجویان مسائل مربوط به پزشکی را در جلسات درسی که در آنجا تشکیل می شد فرا گرفته و بر بالین بیماران بطور عملی مشاهده و آزمایش می نمودند. در وقفنامه ربع رشیدی که به صورت یک جلد کتاب به چاپ رسیده است ضمن بیان مراحل و شرایطی که برای تحصیل علم طب در این موقوفه در نظر گرفته شده آمده است که «متعلمان باید مردمی زیرک بوده و در تحصیل علم طب با هوش و با جدیت و متدین باشند. و دوره دروس طب ۵ سال قرار داده شده بود در این ۵ سلا مدرسان باید دانشجویان را بدان مام برساند که دانشجویان بتوانند بیماران را علاج کنند و حاذقیت و کاردانی متعلمین نیز باند توسط استاد تأیید می شد.»^{۲۶}

۴- بنقل از ساعتی (۱۳۷۴)، ص ۳۸.

۱- بنقل از ساعتی (۱۳۷۴)، ص ۳۶.

۲- همان مأخذ ص ۳۶.

۳- بنقل از سلیمی فر (۱۳۷۰)، ص ۱۵۱.

۴- بنقل از سلیمی فر (۱۳۷۰)، ص ۱۵۲.

وزیر بهداشت، گفته است «طی قرن اخیر دهها بیمارستان، و درمانگاه در سراسر مملکت ایجاد شد و در اختیار بخش دولتی قرار داده شدند که امروزه مراکز پزشکی بسیار مهم و آبرومندی هستند و دانشگاههای علوم پزشکی برای آموزش از آنها استفاده می‌کنند. نمونه اینها، بیمارستان مرحوم نمازی و مرحوم خلیلی در شیراز و بیمارستانهای فیروزآبادی و امیرالمؤمنین و نظایر آن در تهران... درحال حاضر ۶۴ بیمارستان خیریه با حدود ۱۱۰۰۰ تخت بیمارستان با اخذ مجوز لازم و پروانه تأسیس احداث و تجهیز گردیده و اکثر آنها سالها به ارائه خدمات مشغولند. علاوه بر آن حدود ۳۴۰ مرکز بهداشتی درمانی سرو پائی و مراکز تشخیصی خدمات خود را تقدیم عموم بیماران بویژه نیازمندان می‌کنند»^{۲۷}

۳-۵- نقش وقف در تولید دیگر کالاها و خدمات عمومی

بطوری که قبلاً نیز اشاره گردید موارد وقف عموماً از کالاها و خدمات عمومی می‌باشند. مصطفی السباعی ۲۸ مورد از مواردی را که وقف برای آنها صورت گرفته بر می‌شمرد از جمله مساجد، مدارس، کتابخانه‌های عمومی، بیمارستانها، نوانخانه‌ها، آب انبارها، غرس اشجار و درختان میوه برای زیبائی شهر و استفاده عابرین، درمان روانی بیماران و...^{۲۸}. در رابطه با موقوفات غازانی که مربوط به دوران ایلخانان است، ضمن برشمردن موارد متعددی که وقف برای آنها در نظر گرفته شده و عموماً مربوط به تولید کالاها و خدمات عمومی است حتی از مرغان هوا نیز فراموش نشده است «انواع مرغان که در شش ماه زمستان که سرما و برف باشد گندم و گاورس مناصفه بر بام ریزند تا بخورند و هیچکس آن مرغان را نگیرد و هر که قصد ایشان کند در لعنت و سخط حق تعالی باشد».^{۲۹}

ابراهیم العسل ضمن بر شمردن اعمال خیریه و نیکوکارانه در تحقق توسعه و ضمن توضیح وقف ذریه‌ای و وقف خیریه‌ای می‌گوید «انواع دیگری از وقف نیز وجود دارد که، ما در اینجا برخی از آنها را بعنوان نمونه، و نه شمارش کامل، ذکر می‌کنیم: وقف روانپزشکی، وقف ازدواج، وقف زبادی (مالی) که برای هدیه دادن به افراد یا قشرهای خاص وقف شود، وقف حیوانات بیمار، وقف کفن، وقف صحن،...»^{۳۰}

۴-۵- نقش اوقاف در حل دیگر مشکلات اقتصاد جدید

وقف می‌تواند در جهت اهداف دولتهای رفاه اقتصاد جدید کمک فراوان بنماید. وقف می‌تواند در جهت کم کردن کسر بودجه دولت نقش عمده داشته‌باشد زیرا کسر بودجه یا ناشی از تقلیل درآمد و یا ناشی از افزایش مخارجی است که دولت معمولاً در جهت انجام وظایف خود مجبور به تحمل است و وقف می‌تواند

۱ - به نقل از میراث جاویدان شماره ۳۰ تابستان ۱۳۷۹، ص ۸ و ۹

۲ - السباعی، مصطفی (۱۳۵۷)، ص ص ۶۱-۲۶۰.

۳ - سلیمی فر (۱۳۷۰)، ص ۱۴۸

۴ - العسل ابراهیم (۱۳۷۸)، ص ۱۹۴

در هر دو زمینه کمک نماید، زیرا با ایجاد کالاها و خدمات عمومی دولت را از هزینه نمودن برای این موارد معاف می‌دارد مثلاً وقتی که یک مدرسه و یا یک بیمارستان از طریق وقف ایجاد و به جامعه خدمت ارائه می‌کند در واقع دولت را از هزینه‌های ایجاد و اداره یک مدرسه و یا یک بیمارستان معاف نموده و می‌تواند این هزینه‌ها را در طرق دیگری بمصرف رساند.

وقف می‌تواند در جهت تخفیف آثار دفع ازدحامی نیز نقش داشته‌باشد. دفع ازدحامی عموماً ناشی از اینست که دولت کسر بودجه خود را برلیل نداشتن منابع مالی دیگر از طریق استقراض تأمین می‌کند و با این عمل موجب بالا رفتن نرخ بهره و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد و اوقات به خاطر کمک در تأمین خدمات عمومی هزینه های دولت را تقلیل و نیاز دولت را جهت استفاده از وجوه استقراضی کاهش می‌دهد. به این ترتیب می‌توان استدلال نمود که حتی در چهارچوب ابزارهای متعارف IS-LM، اوقاف می‌تواند بعنوان یک وسیله کارا در جهت تقلیل اثر دفع ازدحامی و کاهش نرخ بهره عمل نماید. بنظر می‌رسد که یکی از راههای حذف ربا در جوامع اسلامی تعمیم و توسعه اوقاف است، گر چه متأسفانه تا بحال باین نکته از طرف اقتصاددانان اسلامی توجهی نشده و حتی در سمینارهای بین المللی که در خصوص ویژگیهای وقف تشکیل شده به آن عنایتی مبذول نشده است³¹

در اقتصاد عموماً ایجاد توازن متقابل و تعدل بین دو متغیر عرضه و تقاضا را بدون دخالت مستقیم دولت و از طریق نظام بازار تعدیل ساختاری گویند. در یک نگاه کلی، عمده برنامه‌ها و سیاستهای تعدیل ساختاری³² که در دو دهه اخیر توسط صندوق بین المللی پول³³ و بانک جهانی³⁴ به کشورهای عضو توصیه شده‌است را می‌توان در دو بعد آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی خلاصه نمود. منظور از آزادسازی کلیه اقداماتی است که در جهت برداشتن کنترل‌های دولت از قسمت های مختلف اقتصاد از جمله بازارهای مالی، بازار کالا و خدمات و بازار کار صورت می‌گیرد و منظور از خصوصی سازی کلیه اقداماتی است که به منظور گسترش حوزه فعالیت بخش خصوصی انجام می‌شود. نتیجه نهائی آزاد سازی و خصوصی سازی را در کوچک شده اندازه دولت می‌دانند که همواره بعنوان یک هدف در کلیه برنامه های فوق بصورت صریح و یا ضمنی ملاحظه می‌شود. اوقات با اهداف فوق همسو بوده، و دولت را از درگیر شدن و رقابت با بخش خصوصی در بسیاری از موارد رهایی بخشیده و به دلایلی که مفصل در قبل توضیح داده شد و بدلیل آنکه بسیاری از خدمات دولتی می‌تواند از طریق یک سیستم وقفی تأمین شود اندازه دولت در حداقل نگه خواهد داشت. اهداف دولت مبارزه با بیکاری و نیل به اشتغال کامل می‌باشد و اوقاف در تحقق این هدف نیز می‌تواند کمک موثری باشد. بر اساس سنت وقف گروه زیادی از طبقات مختلف جامعه بگونه‌ای با اوقاف در ارتباطند یا در امور مربوط به وقف مشغول به کارند یا از درآمد اوقاف و خدمات آن بهره می‌برند و یا بر امور مربوط به اوقاف به صورت مستقیم و غیر مستقیم نظارت دارند. البته در گذشته این ارتباط بیشتر و در حال

³¹ . IRTI (1987) and Cizak (1998)

³² . Structural Adjustment Policies

³³ . International

³⁴ . World Bank

حاضر ارتباط مستقیم کمتر شده است. طبق بررسی‌هایی که به عمل آمده تعداد کسانیکه در موسسات املاک وقفی به کار اشتغال دارند نسبت به کسانیکه مستقیماً توسط دولت به کار گرفته شده‌اند می‌تواند بسیار بالا باشد. این نسبت مثلاً در ترکیه ۱۹۳۱ نزدیک به ۱۰ درصد بوده است^{۳۵} که در طی زمان این نسبت کاهش یافته و جالب آنکه اخیراً از دهه ۱۹۸۰ دولت لائیک ترکیه به اهمیت اوقاف پی برده و برای تشویق اوقاف تجدید نظرهای اساسی بعمل آورده است.^{۳۶}

محمد اسلم حنیف معتقد است که در همه کشورهای اسلامی اهداف اقتصادی متعددی برای دولتهای خود برگزیده‌اند، از جمله توزیع مجدد به نفع فقرا، مداخله در مکانیسم بازار بهنگام لزوم، تهیه و تأمین کالاها و خدمات عمومی، حتی انجام اصلاحات ساختاری از جمله اصلاحات ارضی و ... و برای تحقق این اهداف هم که شده دولتهای اسلامی باید از اوقاف حمایت مؤثر بعمل آورده و آنرا مورد تشویق قرار دهند.^{۳۷} برخی از مشکلاتی را که موجب شده است تا عملاً اوقاف در جوامع اسلامی نتوانسته‌اند نقش بالقوه خود را ایفا کنند می‌توان بشرح زیر برشمرد.

الف - تعارض بین اهداف واقف و اهداف اجتماعی

در جریان وقف، واقف با وقف مال و ثروت خویش نحوه چگونگی استفاده از آن را نیز تعیین می‌کند به علارت دیگر وقف نامه در واقع دستورالعملی است که بر اساس آن خطوط کلی دلخواه اداره موقوفه برای متولیات و ناظرین بعدی معلوم می‌شود. از آنجا که نیت واقف از اهمیت فراوان برخوردار بوده و عمل بر اساس نیت واقف الزامی و تخطی از آن جایز نیست از اینرو در برخی از موارد بین اهدافی که واقف تعیین نموده و اهداف اجتماعی و مصالح عمومی تعارض پیش آید.

ب- افت بهره وری و کارایی مؤسسات وقفی

با گذشت زمان و نبودن انگیزه مناسب برای متولیان و نداشتن صلاحیت لازم املاک و تأسیسات وقفی کارایی خود را از دست داده و در مقایسه با موارد مشابهی که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود از بهره وری پائینی برخوردار می‌گردد.

ج - عدم امکان تغییر کاربری بدلیل تغییر شرایط

عملکرد استفاده از املاک و اراضی بویژه در مناطق شهری ثابت نیست و در طی زمان کاربری آنها دچار تغییر می‌شود. در برخی از موارد ممکنست موقعیت مکانی مطلوبتر و ارزش بالاتری کسب نموده و در موارد

^{۳۵}. Cizaksa (1998) p.46

^{۳۶}. Ibid p. 47.

^{۳۷} - Haneef, Mohamad Aslam (1995)

دیگری ممکنست مطلوبیت مکانی خود را از دست بدهد به این ترتیب ثابت بودن نوع استفاده بهینه از آنها تعارض می‌یابد.

جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

وقف وسیله‌ای است برای توزیع مجدد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بدون آنکه هزینه‌ای بر بودجه دولت تحمیل نماید.

از طریق وقف می‌توان انتخابات کالاهای عمومی مورد توجه و علاقه جامعه را تشخیص داد که در هر دوره‌ای از ادوار تاریخی این تمایل به سمت چگونگی کالاهای عمومی‌ای از قبیل آموزش، بهداشت، تأسیسات زیربنایی و یا خدمات مذهبی از قبیل روضه‌خوانی و برگزاری مراسمی از این قبیل بوده‌است.

سنت وقف همبستگی اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه از جمله اغنیا و فقر را بیشتر نموده و از تضادهای طبقاتی بمیزان قابل ملاحظه‌ای می‌کاهد.

وقف نهادی است که مشارکت مردم را در امور اجتماعی افزایش داده و واقف با اقدام آزادانه و داوطلبانه هود با تخصص بخشی از دارائی خود به امر وقف نهادی عام المنفعه چون مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و از این قبیل را بوجود می‌آورد.

اوقاف از طریق فراهم ساختن اممکانات مالی برای عالمان و محققان موجبات توسعه علمی و نهایتاً توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌سازد.

برای استفاده مؤثرتر و افزایش کارائی لازمست :

در جهت تطبیق مسائلی مربوط به موقوفات با شرایط و اوضاع و احوال روز و عطف توجه به تحولات سریع جهان امروز، روشها و برنامه‌های جدیدی سازگار با نیت واقفین و با حفظ اصالت وقف تهیه و مورد اجرا گذاشته شود.

مشکلات فقهی و قانونی مدیریت اوقاف بگونه‌ای حل و فصل گردد که اداره اوقاف همچون برخی دیگر از کشورهای اسلامی توسط هیئت‌های امانا بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص و آموزش دیده در اداره بهتر اوقاف بمنظور توسعه وقف و افزایش هر چه بیشتر در آمدهای حاصله از اوقاف می‌باشد

درجهت اصلاحات تشکیلاتی همانطور که در بسیاری از کشورهای اسلامی وزارت خاصی تحت عنوان وزارت اوقاف امور مربوط به اوقاف را بعهدہ دارد در کشور ما نیز بنظر می‌رسد که بایستی جایگاه مناسبی در تشکیلات نظام اداری کشور برای آن در نظر گرفته شود.

با توجه به دامنه وسیع موقوفات و وجود ابهامات متعدد شرعی و قانونی به خصوص در مواردی که نوع وقف موضوعیت هود را از دست داده مثلاً موقوفه تخریب شده و عملاً از حیز انتفاع خارج شده است باید تدابیر لازم برای احیا و باز سازی این موقوفه اتخاذ شود و شرایط برای تغییر کاربردی این قبیل اوقاف فراهم گردد.

برخی از شیوه‌های نوین برای اداره اوقاف که توسط دیگر کشورهای اسلامی و یا نهادهای اسلامی معرفی شده و منافاتی با مقررات شرعی ندارد بمورد اجرا گذارده شده و یا پس از تعدیلات لازم بمورد اجرا گذارده شود. مثلاً در یک شیوه جدید بانک با یک موسسه وقفی در یک طرح مشخص سرمایه گذاری مشارکت می‌نماید به این ترتیب که سود خالص بدست آمده از طرح بر طبق میزان درصد مشارکت هر کدام در سرمایه گذاری میان آنها تقسیم می‌گردد. ضمناً دو طرف در قرار داد جداگانه ای توافق می‌کند که بر حسب آن قسمتی از سود خالص جهت پرداخت تدریجی سهم بانک اختصاص یابد بطوری که سهمیه اصلی بانک بتدریج کاهش یافته و سهم طرف دوم (اوقاف) افزایش می‌یابد تا نهایتاً مالکیت کلی طرح بطور کامل به مؤسسه وقفی باز می‌گردد.^{۳۸}

باید هر چه بیشتر فرهنگ وقف ترویج شود و در این رابطه یک تلاش همه جانبه لازم است تا کاربردهای جدیدی برای پدیده وقف بوجود آید و عموم افراد در این امر شریک باشند. شاید بندرت بتوان سرمایه‌گذاری پیدا کرد که بتواند یک بیمارستان کامل وقف نماید ولی اگر تدابیری اندیشیده‌شود که سرمایه‌گذاران کوچک نیزحتی در زمینه خرید یک دستگاه خاص و یا تجهیزات یک اتاق خاص در بیمارستان وقف عملی شده و نام واقف ضمن کارتی بر روی وسیله و یا اتاق مزبور ثبت شود.

اختصاص دادن بخشی از مطالب کتابهای درسی اقتصاد به موضوع وقف، شناخت و اهمیت آن و تشویق و حمایت هر چه بیشتر در طرح های تحقیقاتی مربوط به وقف جای تأسف است که در هیچیک از کتب درسی اقتصاد و حتی کتابهای اقتصاد اسلامی که تا به حال تهیه و تدوین شده توجه لازم به اهمیت اوقاف مبذول نشده است.^{۳۹}

معرفی و تجلیل از واقفان گذشته و حال به صورت‌های مختلف در قالب برنامه‌های تلویزیونی انتشار کتاب گزارشهای مخصوص در مجلات و مطبوعات بگونه‌ای که مردم بدانند با انجام کارهای خیر توسط آنها مورد تقدیر جامعه و مسئولان است.

۱- احمد مهدی، محمود (۱۳۷۸)، صص ۱۳۶ و ۱۳۷

۱ - به عنوان نمونه مراجعه شود به کتابهای: اقتصاد ما؛ مبانی اقتصاد اسلامی و "مبانی اقتصاد اسلامی" و "درآمدی بر اقتصاد اسلامی و

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- ابن بطونه (۱۳۵۹)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲- ابن خلدون، عبرالرحمن (۱۳۵۳) مقدمه ابن خلدون بر ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- احمد مهدی، محمود (۱۳۷۸)، یقش بانک توسعه اسلامی در بهره‌وری موقوفات، میراث جاویدان، سال هفتم، شماره ۲۷، پائیز.
- ۴- احمدی میانجی، علی (۱۳۶۱)، مالکیت خصوصی زمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۵- السباعی، مصطفی (۱۳۵۷)، جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی، ترجمه سید علی محمد حیدری، قم، انتشارات حکمت.
- ۶- العسل، ابراهیم (۱۳۷۸)، توسعه در اسلام ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۷- الکیسی، محمد (بی تا)، احکام وقف در شریعت اسلام، ترجمه صادقی گلدر، چاپ اول تهران، سازمان حج و زیارت.
- ۸- بن سلمان، ابوسعید احمد (بی تا)، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، تهران، انتشارات سازمان اوقاف.
- ۹- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۵۶)، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۰- جرجی زیدان (۱۳۵۶)، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (بی تا)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۱۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۱۳- راوندی، مرتضی (۱۳۵۹)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۱۴- رشید الدین، فضل الله (۱۳۵۶)، وقفنامه ربع رشیدی، با کوشش مینوی و ایرج افشار، تهران انجمن آثار ملی.
- ۱۵- ساعاتی، یحیی محمود (۱۳۷۴)، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- ۱۶- سلیمی فر، محمد علی (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی
- ۱۷- شبلی، احمد (۱۳۷۰)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت.

۱۸- صدر، محمد باقر (۱۳۴۹)، اقتصاد ما، ترجمه ع اسپهبدی، تهران مؤسسه انتشارات اسلامی و انبشارات برهان.

۱۹- صدر، محمد باقر (۱۳۵۰)، اقتصاد ما، ج ۱، ترجمه محمد کاظم موسوی، تهران، مؤسسه انتشارات اسلامی و انتشارات برهان.

۲۰- غنیمه عبدالرحیم (۱۳۷۷)، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورا.. کسائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۱- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهری امیری، تهران، انتشارات مرکز علمی و فرهنگی

۲۲- محقق حلی، (۱۴۰۳)، شرایع الاسلام، چاپ سوم، قم، دارالهدی للطاعه و النشر

۲۳- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، جلد ۴، تهران، انتشارات امیرکبیر

۲۴- مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۲ه)، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت

ب - انگلیسی

“Cizalkca, Morat (1998) “ Awjaf in History and its Implications”

For Modern Isiamic Economics Islamic Economidc studies, VOL.6
No.1

Haneef, Mohamed Aslam (1995), Contemporary Islamic Economic
Thought: A selected Comparative Analysis, Kuala Lumpur: Ikrag
Harbuson F.(1973), Human Resources As the wealth of Nation
RAZ New York, Oxford University Press